جمع بندی

با این حساب، برهان ِما فعلاً اثبات نکرده که یک نقشی منفصل داریم که آن را از مثال ِمنفصل، احضار کنند و به چنگ بیاورند.

عدد پی؛ ابزار ارائه معنای منفصل

ما آن را که به وضوح داریم، یک **معنای منفصل**[1] است از آن نقش. این معنا را من و شما، همه داریم. به محض اینکه به آن معنا توجه میکنیم، آن معنا در صحنه ی ذهن من و شما که به منزله مانیتور است، فوری میگویی یک بستر فراهم کن، رزولوشن درست کن، پیکسلهایش را بگذار، در آن پیکسلها این ها را حذف کن. یعنی خود معنا این دستور را میدهد.

سؤالات ما فعلاً یک واقعیت این چنینی را به‌طور واضح، منفصل میکند. برایش اثبات میکند که شکی در آن نیست.منفصل یعنی اگر ما هم نبودیم، بود. انسان نبود، ذهن او هم نبود، این چنین بود. تمام کسانی که با مفاهیم هندسی و ریاضی آشنایی مختصر داشته باشند، حرف های ما را **میبینند** که در خودشان اینها را دارند ؛ نه این که برایشان اثبات بشود، اما مثال منفصل را نه؛ هنوز تا این اندازه فاصله داریم که بتوانیم نشان بدهیم که ببین! ما یک نقش منفصل داریم که او را فراچنگ آوردیم، ولی ما به مقصودمان رسیدیم. چون برایمان کافی است که بگوییم پشتوانه‌ی این نقش، یک معناست.

---

[1] یک معقول منفصل نه مثال منفصل

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مارس 2025 14:29:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مارس 2025 14:29:25 توسط ... .